

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست نویسی جلسه پنجم از نشست دوم الگوی پیشرفت اسلامی در کارگروه حوزه علمیه مروی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۳ با موضوع تبیین مفهوم موضوع انتقال در نقشه راه

ایجاد ساختارهای ذهنی مبتنی بر جهت انقلاب اسلامی زمینه تدوین الگوی پیشرفت اسلامی

۱- موضوعات انتقال

تعریف مفهومی موضوع انتقال به صورت ساده می شود : در هر مرحله ی انقلاب، با یک مانع خاص و بزرگ روبرو هستیم؛ که مجموعه ی برنامه ریزی های انقلاب در آن مرحله باید معطوف به حذف آن مانع باشد. باید کار کرد بر روی موضوعی که آن موضوع عامل حذف آن مانع در آن مرحله باشد.

بهتر است بایک تمثیل موضوع را توضیح دهیم. مرحله انقلاب اسلامی مرحله ای است که در آن اختیار اداره جامعه به دست فقهای شما افتاده است، اما آیا ضمانتی دارد که فقط با دردست گرفتن اختیارات توسط فقها، کشور اسلامی شود یا موانع دیگری هم وجود دارد؟ این موانع را باید بشناسیم و اولویت های برنامه ریزی را ناظر بر حذف آنها- که در هر مرحله متفاوت است- بسیج کنیم؛

تعریف موضوع انتقال : به موضوع برطرف کننده مانع اصلی در هر مرحله، موضوع انتقال آن مرحله گفته می شود که با برنامه ریزی بر روی موضوع انتقال هر مرحله می توانیم به مرحله بعد انتقال پیداکنیم.

البته با توجه به بحث های گذشته واضح است که ملاک تشخیص مانع در انقلاب، "مبنای انقلاب اسلامی" می باشد.

۲- موضوعات انتقال انقلاب در مراحل مختلف

حال بررسی کنیم ببینیم مانع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی چه بود؟ در خیلی از انقلاب ها اختیار به دست انقلابیها افتاد ، اما چون الگوی جایگزین نداشتن ، خود آن انقلابی ها کم کم به سراغ الگوهای موسوم دنیا رفتند. بنابر این مانع این مرحله عدم تبیین الگوی جایگزین رژیم شاه بود.

۲-۱- ولایت فقیه موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی

ما انقلاب کردیم برای اقامه کلمه ی اسلام، اگر امام خمینی(ره) تئوری تأسیسی خودش (ولایت فقیه) را برای حکومت بحث و گفت و گو، نمی کرد، ما به مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا نمی کردیم.

لذا امام خمینی(ره) یک کار اساسیشان تبیین ولایت فقیه در نجف ودرجاهای دیگر بود . بحث حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه اجمالاً درک شد ومردم آنرا اجمالاً قبول کردند! یک درکی از جمهوری اسلامی پیدا کردند ، محور جمهوری اسلامی را اسلام میدانستند و به سمت تعاریف التقاطی دیگر ، نرفتند.

لذا علت انتقال از مرحله ی انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی ، وجود این درک بود و تئوری ولایت فقیه ما را به مرحله نظام اسلامی انتقال داد وگرنه ماازمرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام دموکراتیک یا نظام التقاطی دیگری انتقال پیدا کرده و به مرحله نظام اسلامی انتقال پیدا نمی کردیم .

بنابراین اولویت بندی ها و اصلی، فرعی، تبعی کردن امام خمینی(ره) در آن مرحله ناظر به تبیین و تثبیت مسئله ولایت فقیه بود. تئوری ولایت فقیه علت انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی بود. با تبیین تئوری ولایت فقیه مانع این مرحله؛ که عدم درک از الگوی جایگزین بود، برداشته شد.

۲-۲- دفاع مقدس موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی

وقتی که نظام اسلامی تشکیل شد به دلیل جدید بودنش کادر کارآمدی نداشت و فهم افراد انقلاب هم به قدری بود که فقط اجمالاً به وسیله ی آن بشود نظام را سر پا نگه داشت. در بیرون از کشور هم اصلاً درکی از نظام اسلامی وجود نداشت؛ مثلاً وقتی می خواستند توضیح دهند که یک حکومتی در جلوی آمریکا قرار گرفته از اصطلاح ضد امپریالیسم، برای حکومت ما که با آمریکا درگیر است، استفاده می کردند. حتی در درون هم روشنفکران می گفتند ما ضد امپریالیسم هستیم.

پس در آن موقع نه نظام مفاهیمی داشتیم و نه کادر کارآمدی که حداقل مسئولیت های اساسی را به عهده بگیرد. لذا مجموعه حوادث امنیتی که در اول انقلاب و در اوج خود جنگ تحمیلی و آن کوره ی ۱۰ ساله ای که به وجود آمد باعث تربیت یک سری نیروی اسلامی مطابق فرهنگ امام و انقلاب تربیت شد. که آنها بوسیله ی مجموعه کارآمدی هایی که در مجموعه ی کار جنگ ایجاد شد؛ مثل فرهنگ ایثار و شهادت، در جامعه علت تثبیت نظام اسلامی شد.

همین که نظام اسلامی تثبیت شد زمینه برای اصلاح ساختارها شروع شده و ما وارد مرحله ی دولت اسلامی شدیم. پس موضوع دفاع مقدس که ما به فرموده ی امام راحل آنرا در رأس امور قرار دادیم مانع عدم توانمندی داخلی برای استقرار نظام را، برداشت.

لازم به ذکر است که در مرحله ی اول بوسیله ی تئوری ولایت فقیه مانع لیبرال دموکراسی و نوع نظام برداشته شد. یعنی اگر تئوری ولایت فقیه نبود در همان اول انقلاب، با مانع لیبرال دموکراسی برخورد می کرد و آن مانع اجازه ی ورود اسلام و مبنای ارزشگذاری اسلام را قبول نمی کرد. پس با موضوع ولایت فقیه مانع لیبرال دموکراسی که نوع حکومت های موسوم آن روز در دنیا بود برداشته شد. و با در رأس امور قرار گرفتن دفاع مقدس مانع نداشتن کادری مسلط و پخته بر روی مبنای انقلاب برداشته شد یعنی با دفاع مقدس تثبیت شدیم.

بعد از تثبیت ما وارد مرحله ی سوم شدیم و می خواهیم مانع برنامه ریزی های مدرن که متأثر از مفهوم توسعه غربی است را برداریم. البته بعضی ها اینجا اشکال می کنند و می گویند این حرف که در مرحله ی سوم ساختارها را اسلامی، می کنیم اشتباه است؛ با اینکه در مرحله ی اول هم ما این کار را با ساختارها یی مثل جهاد سازندگی و سپاه انجام دادیم. جواب ما این است ما در مرحله ی دولت اسلامی، موضوع ما توانمندسازی ساختارها، همه جانبه است اما در مرحله ی اول یک سری توانمند سازی بخشی قرار دادیم، که فقط برای استقرار نظام بوده است. برای اینکه نظام مستقر بماند و نمی خواستیم در مرحله ی دوم به سراغ ساختار سازی برویم نه اینکه صحبت از ساختار سازی نبود اجمالاً هم، همه می دانستند که ساختارها باید تغییر کند ولی چون نظام هنوز تثبیت نشده بود و درگیر یک جنگ جهانی که همه دنیا به ما حمله کرد است، قرار گرفته ایم همه ی توان فقط برای حفظ نظام است. و در مرحله تثبیت نظام اصلاً فضایی برای فکر کردن برای ترمیم ساختارها فراهم نیست. حتی اگر ایده آن هم بوده شرایط برای آن مهیا نیست، که محقق بشود. لذا قطعاً آغاز مرحله ی دولت اسلامی بعد از جنگ تحمیلی، و با آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای(مدظله العالی) با این شرحی که بیان شد، شروع می شود.

۲-۳- الگوی پیشرفت اسلامی موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی

در مرحله ی سوم مانع پیش روی ما، برنامه ریزی ضد مبنا است که در همه جای دنیا حکمفرماست. حالا وارد فضا و مفاهیم حاکم بر این نوع برنامه ریزی می شویم.

تعریف توسعه غربی : یعنی مجموعه مفاهیمی که منجر به برنامه ریزی مدرن میشود.

اگر ما محور برنامه ریزی و فعالیت هایمان را برای حذف این مفهوم قرار دادیم، که حذف این مفهوم از نقد توسعه شروع می شود تا تولید الگوی اسلامی پیشرفت ؛ و آنرا جزء اولویت های برنامه ریزی هایمان قرار دادیم ، از مرحله ی دولت اسلامی به مرحله ی جامعه اسلامی انتقال پیدا می کنیم. اما اگر این مسئله را در اولویت هایمان قرار ندادیم، یا برخی قرار دادیم و برخی نه ، انتقالمان دچار مشکل می شود. لذا امام خامنه ای (مدظله العالی) در آغاز امامتشان بر روی مفاهیمی مثل عزت، حکمت ، مصلحت ویا مسأله عدالت تاکید می کردند و در حال نقد مفهوم توسعه به صورت مسئله محور بودند .

به بیان دیگر در اوایل انقلاب اصلاً فضای این نبوده که به صورت مفهومی ضدیت توسعه با عدالت را مطرح کنیم ، اما به صورت مسئله محور این کار انجام می شد. مثلاً امام خامنه ای (مدظله العالی) بر روی یک سری شاخص ها مثل عدالت تاکید می کردند و موفق شدند ، آن شاخص ها را نگه دارند و زمینه ای را به صورت آهسته ، آماده کردند تا جامعه به این درک برسد که توسعه، ضد مبنا دارد حرکت می کند. حتی با این شرایط هم فقط یک عده ای متوجه شدند و عده ای هنوز دنبال دولت توسعه گرا و بزرگ ترین انحراف را، انحراف از توسعه و سازندگی می دانند.

۲-۳- بانک اطلاعات اسلامی موضوع انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله تمدن اسلامی

وقتی ما وارد مرحله ی جامعه اسلامی شدیم و باید آهسته آهسته به مرحله ی تمدن اسلامی انتقال پیدا کنیم ؛ موضوع انتقال آن مرحله بانک اطلاعات اسلامی است.

تعریف بانک اطلاعات اسلامی: یعنی شبکه ی گسترده ی پژوهشی اجمالی که موضوع کارش پاسخ دهی به مسائل خارج از ایران ، مبتنی بر الگو و معادلات ایران است. که بعد ها در آمد ارزی ما از این راه کسب می شود. یعنی انتقال همه ی بخش های دنیا مبتنی بر بومشان با توجه به ظرفیتشان. با بینش اسلامی و با ایجاد یک شبکه ی پژوهشی ، آموزشی خاص ، علت انتقال از مرحله ی جامعه اسلامی به مرحله ی تمدن اسلامی است .

لذا در نقشه ی راه الگوی پیشرفت چهار موضوع انتقال مطابق جدول ذیل داریم، که موضوعات انقلاب در هر مرحله در رأس امور است.

مرحله	انتقال از مرحله	به مرحله	موضوع انتقال
۱	انقلاب اسلامی	نظام اسلامی	ولایت فقیه
۲	نظام اسلامی	دولت اسلامی	دفاع مقدس
۳	دولت اسلامی	جامعه اسلامی	الگوی پیشرفت اسلامی
۴	جامعه اسلامی	تمدن اسلامی	بانک اطلاعات اسلامی

۲-۵- ضرورت توجه و پیشبرد موضوعات انتقال در هر مرحله

یک خطر این است که اگر شما در هر مرحله موضوع انتقال را در نظر نگیرید، نه تنها به مرحله بعد انتقال پیدا نمی کنید ، بلکه در حقیقت زمینه را برای برگشت به مرحله ی قبل مهیا کرده اید. لذا شما در فتنه ی سال ۸۸ دیدید که به موضوع انتقال مرحله ی اول یعنی ولایت فقیه حمله شد و می خواستند موضوع انتقال مرحله ی اول را از بین ببرند. وحتی قانون اساسی پیشنهاد دادند و می خواستند تعریف حکومت را عوض کنند. و این به این دلیل است که شما جنگ را به یک مرحله جلوتر نبردید. اگر ما در برنامه ریزیهایمان به توسعه ی غربی حمله کردیم، آنها مجبور می شوند با ما در آن مرحله مقابله کنند و ۲ جبهه ی فتح شده ، همچنان حفظ می شود.

لذا کسانی که به موقع متوجه موضوع انتقال در این مرحله می شوند، خیلی تکاملی تر از انقلاب دفاع می کنند. بدون توجه به موضوع انتقال هم می شود، از انقلاب دفاع کرد که البته یک دفاع سطحی است.

۳- مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی

برای یادآوری سوالات ذیل مرور می شود:

سوال ۱: جهت نظام مبارک اسلامی چیست؟

پاسخ: نظام اسلامی می خواهد شاخص های اسلامی را محقق کند و در حال حاضر در مرحله ی سوم محقق کردن شاخص های اسلامی است و در حال حذف مانع سوم پیش روی انقلاب است و حذف مانع سوم وابسته به جدی گرفتن فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. این جهت حرکت ما است که باید به آن توجه کرد.

سؤال ۲: تبیین مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی بر چه چیزی مبتنی است؟ یعنی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟

پاسخ: نظام معادلات محقق کننده ی مبنا، تعریف الگوی پیشرفت اسلامی است. پس در این الگو جهت اصل و در این جهت، مبنا اصل است.

سوال ۳: استخراج نظام معادلات محقق کننده مبنا چگونه انجام می شود؟

اگر مانع سوم را در نظر بگیریم این نظام معادلات از نقد توسعه بدست می آید.

اگر ما شروع کنیم و مثلاً به ضریب جینی (که از مفاهیم مدرنیته و در تعارض با شاخصه های اسلام است) حمله کردیم یا به ایده ی اول توسعه بعد عدالت حمله کردیم آنگاه نگرشهای جاده صاف کن برای نقد توسعه غربی فراهم می شوند. امام خامنه ای مدظله العالی فرمودند: تئوریسین های اقتصادی به ما می گویند اول توسعه بعد عدالت، اینجاست که من می گویم جای نوآوری است.

سوال ۴: اقتصاددانان می گویند اگر اول توسعه پیدا نکنیم و بخواهیم عدالت را اجراء بکنیم، چیزی برای توزیع نیست که با آن عدالت را حکمفرما کنیم لذا توزیع فقر نتیجه میشود. یا می گویند اگر دولت یارانه بدهد پول از بخش تولید خارج شده و می آید در بخش بازار، وقتی در بخش بازار آمد به معنای افزایش تقاضا است و به معنای کاهش عرضه است که می شود، تورم. با این نگرش ها به ما حمله می کنند، یا مثلاً می گویند هر چه کیک توسعه بزرگ تر شود سهم بیشتری گیر افراد می آید.

پاسخ: این است که کیک توسعه ی آمریکا که از همه بزرگ تر است، چرا سهم بزرگ بدست افرادش نمی رسد؟ پس قیام وال استریت چیست؟

۳-۱- نقد ساختارهای ذهنی زمینه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

بنابراین باید از نقد ذهنی شروع کنیم تا به نظام مفاهیم برسیم. زیرا ساختارهای ما براساس مبنای توسعه کار می کنند. اگر توسعه را نقد نکنیم، زمینه برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی مهیا نمی شود.

۳-۱-۱- انواع نقد

سه نوع نقد بر توسعه غربی وارد است. گاهی نقد ما از ریشه‌ها است؛ از مبانی فلسفی و روشی آنهاست، می‌گوییم علت اعتقاد آنها به توسعه بدلیل انسان‌شناسی آنها و تعریف آنها از انسان و جامعه و... است. این یک نوع تعریف و نقد است اما به دلیل طولانی بودن کارآمد نیست.

نقد دیگر این است که برنامه‌ها و ساختارهای توسعه را اصل قرار دهیم. مثلاً برنامه پنجم توسعه را نقد کنیم. این فرآیند به نسبت به نقد علمی کوتاه‌تر است اما اشکالش این است که مردم نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. مضافاً به اینکه توان شما به اندازه‌ی مقابله با این جریان، نیست.

مجموعه جریانهایی که بر روی مسئله‌ی الگو فعال هستند و فهمیده‌اند موضوع الگو تأسیسی است، اکثرشان یا از ساختارهای علمی شروع کرده‌اند یا نقد‌ها را به سمت نقد ساختاری برده‌اند.

۳-۲- نقد ساختارهای ذهنی ضرورت بسیج و همراه کردن جامعه

اما در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، نقد ما از ساختارهای ذهنی شروع می‌شود. پس ۳ نوع نقد داریم: نقد ساختارهای علمی، نقد ساختارهای عینی و نقد ساختارهای ذهنی.

تعریف ساختارهای ذهنی: ساختارهایی که باعث بسیج جامعه و مردم بر روی موضوع ما می‌شود. و آن نگرش‌ها فارغ از اینکه مردم روش‌هایشان را بدانند، قابل تفاهم باشند.

مثلاً روشنفکران با نگرش اول توسعه بعد عدالت، مردم را جهت‌دهی می‌کنند. متفکران توسعه با مردم به وسیله‌ی تمثیل صحبت می‌کنند نه از روش‌هایشان. پس ساختارهای ذهنی آن نگرش‌هایی است که جامعه را با خودش همراه کند. البته ساختارهای ذهنی ریشه در ساختارهای عینی و علمی دارند، ولی بریده از آنها مردم را بسیج می‌کنند.

مثلاً اقتصاددانی که شروع به صحبت با مردم می‌کند، به مردم نمی‌گوید که یک اقتصاددان نهادگرا یا مکتب‌دیگری است و اگر نه مردم با او همراهی نمی‌کنند. بلکه شروع می‌کند با یک سری نگرش‌ها و مثالها آنها را با خودش همراه می‌کند. در حقیقت حمله به توسعه غربی نقد این نظام نگرشها و شکستن آنهاست.

لذا نقشه راه به فضل خداوند تعالی به زودی در دل مردم جا باز می‌کند، زیرا بالاخره جامعه باید با هر تئوری همراهی کند تا آن تئوری به ثمر بنشیند.

اگر با جامعه به وسیله‌ی مبنای فلسفی و روشی صحبت کنیم، ارتباط با مردم بکلی قطع می‌شود. حتی اگر برنامه ریزیهایمان را به صورت علمی انجام دهید و به قانون تبدیل شود؛ (یعنی تغییر ساختارهای عینی) باز هم نمی‌توانیم با مردم ارتباط برقرار کنیم. لذا متفکران توسعه غربی هم وقتی می‌خواهند با مردم ارتباط برقرار کنند و آنها را با خودشان همراه کنند، نگرش‌سازی می‌کنند.

تعریف نگرش: یک چهارچوب ذهنی است که اگر جامعه آن چهارچوب ذهنی را پذیرفت، با جهت و تئوری شما همراهی می‌کند.

این که شما می‌بینید ۳۰ سال است که امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نگذاشته‌اند جهت انقلاب از دست برود، به این دلیل است که مدام به نگرش‌های ضد جهت حمله کرده‌اند. ما اسم این نگرش‌های بسیج‌کننده جامعه را به عنوان ساختارهای ذهنی تعریف کرده‌ایم.

اگر ما بتوانیم، نگرشهای آنها را به چالش بکشیم، یعنی توانسته ایم بسیج شدن جامعه به سمت توسعه غربی را به چالش بکشیم و فرصت برای زدن ریشه هایش که نقد علوم انسانی آن است، ایجاد می شود. و هم جهت را حفظ کرده ایم و هم ریشه ها را.

لذا در نقشه راه مکرر گفته ایم نگرش، مثلاً نگرش های ضد خانواده، نگرش های ضد برنامه ریزی، البته نگرش نه به معنای تئوری خانواده.

۳-۳- نظام نگرش ها یا ساختارهای ذهنی نقطه وصل ساختارهای علمی و عینی به جامعه

هر تئوری علمی و ساختار عینی یک نقطه وصل با جامعه دارد، زیرا جامعه باید برنامه ی آنرا بپذیرد تا آن برنامه جلو رود. نقطه ی وصل «ساختارهای ذهنی» یا نظام نگرش ها هستند. اگر حمله کردیم و این نگرشها را شکستیم در واقع نگذاشته ایم این جهت غربی در جامعه حاکم شود. البته روشنفکران دوباره با یک نگرش جدید وارد می شوند و ما باید دوباره با آنها مقابله کنیم.

نکته قابل توجه این است که هرچه نگرش های ذهنی مورد حمله قرار بگیرند، فرصت برای اصلاح ریشه ای ساختارهای علمی و عینی پیدا می شود. یعنی هم جهت را حفظ کرده ایم و هم فضا برای اصلاح پیدا کرده ایم.

پس اگر بخواهیم به وسیله ی جهت، کاری انجام دهیم، باید نگرش های جدیدی هم ایجاد کنیم. شاه مهری اصلی ما که به کمک امام زمان (عج) و توسط دو علمدار انقلاب (امام خمینی و امام خامنه ای) انجام شده است، این است که توانسته اند نگرش سازی کنند.

مثلاً در شاخص امنیت به وسیله ی بسیج توانستند حفظ جهت کنند زیرا بسیج دارای ریشه علمی نیست اما در مقابل ساختارهای نظامی که بر مبنای دافوس بود، توانست کارآمدی خود را نشان دهد. یعنی امام (ره) توانست نگرش مردم را نسبت به امنیت بوسیله ی بسیج نشان دهد.

فرض گرفتیم جهت برای ما اصل است با این فرض ۳ چیز در ضد جهت حرکت می کنند، ساختارهای علمی ضد جهت حرکت می کنند و برنامه ریزی مبتنی به این ساختارها هم ضد جهت حرکت می کند. اگر توانستیم حلقه ی آخر ساختارها، یعنی ساختار ذهنی را به دست بگیریم فرصت برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی در عقبه ایجاد می شود.

نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی ۲۷ مأموریت برای شکستن نگرش برای فرآیند مدرنیزاسیون یا بهتر بگوییم ۲۷ راهروی بزرگ برای تئوریزه کردن نگرش های متناسب با جهت انقلاب، ایجاد می کند.

پس با تعریف تنهای علمی یا عینی اصلاً انقلاب قابل تعریف نیست. اما اگر خوب به آن در مراکز علمی پرداخته شود و ساختارهای متناسب با آن ترسیم شود و با مردم به وسیله ی ساختارهای ذهنی ارتباط برقرار کردید، می توانید تئوری خود را به قبول همگان برسانید. به طور مثال در قضیه ی یارانه ها به دلیل ایجاد نگرش در بین مردم، مردم به راحتی همراهی کردند و کشور به چالش کشیده نشد با اینکه حجمه ی زیادی به آن شد.

۴- نتیجه گیری

۳۰ سال است که انقلاب بوسیله ی ساختارهای ذهنی توانسته جلوی استکبار بایستد. البته هردو امام ساختارهای ذهنی را نگه داشته و مدام دستور به کار بر روی ساختارهای علمی و عینی کرده اند. و ساختارهای ذهنی را به نفع اسلام می شکنند و زمینه ی مشارکت برای ساختارهای علمی و عینی ایجاد میکنند.

امام خامنه ای (مدظله العالی) مکرر فرموده اند: " هر جا ساختارهایمان اشکال داشته باشد، آنها را اصلاح می کنیم"

نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، یک نقشه راه برای ایجاد ساختارهای ذهنی است و فرصت برای ایجاد ساختارهای عینی و علمی مهیا می کند وان شالله به زودی به نتیجه میرسد.